



کتاب مقدس

گروه تدوین جزوات آموزشی ادیان

مقدمه

انسانها دو عهد و پیمان^۱ با آنها بسته است:

۱. عهد قدیم^۲: براساس این عهد، خداوند از انسان پیمان گرفته است که برای نجات، به شریعت الهی پایبند باشد و از راه عمل به شریعت و احکام الهی، خود را به خداوند نزدیک سازد و موجبات رضایت او را فراهم آورد.

۲. عهد جدید^۳: با ظهور حضرت عیسی علیه السلام و فدا شدن و مصلوب گشتن او، خداوند عهد دیگری با انسان بست

«کتاب مقدس» عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه، و یهودیان بخشی از آن را «کتاب آسمانی و الهی» خود می‌دانند.

عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی و بیش تر زبانهای اروپایی «بایبل» (Bible) و یا کلمه‌های هم‌خانواده آن است که از کلمه یونانی (Biblia) به معنای «کتابها» گرفته شده است و به آن عهدین هم می‌گویند.

این عنوان به این اعتقاد مسیحیان اشاره دارد که خداوند برای نجات

۱. Testament.

۲. Old Testament.

۳. New Testament.

بسته و آن هم پیمان «شریعت» است و یگانه راه نجات، عمل به شریعت و احکام الهی می باشد. بر این اساس، آنها تنها بخش «عهد قدیم» را - که «عهد» می نامند - قبول دارند.

آشنایی با کتب عهد قدیم و جدید

عهد قدیم که تنها بخش مورد اعتقاد یهودیان و قسمتی از کتاب مسیحیان است، قریب به سه چهارم کتاب مقدس را در بر می گیرد. این مجموعه، به پیامبران یا اولیایی منسوب است که تا ۳۹۷ سال^۲ یا ۴۲۰ سال^۴ قبل از میلاد مسیح علیه السلام می زیسته اند.

عهد عتیق مجموعاً ۳۹ کتاب است که شامل ۱۷ کتاب تاریخ و احکام، ۵ کتاب مواعظ و حکم و نیایش و ۱۷ کتاب نبوات (پیشگوییها) می باشد. این

۱. Evaglion.

۲. قساموس کتاب مقدس، جیمز هاکس،

انتشارات اساطیر، دوم، ۱۳۸۳ ه. ش، ص ۹.

۳. الهدی الی دین المصطفی، محمد جواد بلاغی، انتشارات المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۹ ه. ش. چاپ اول، ج ۱، ص ۳۴.

۴. انیس الاعلام فی نصرۃ الاسلام، محمدصادق فخر الاسلام، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۴ ه. ش، دوم، ج ۱، ص ۱۱۶.

که براساس آن، نجات انسان از راه ایمان به پسر خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام و قربانی شدن او به عنوان کفاره گناهان انسانهاست.

«انجیل» به معنای بشارت^۱ است و در حقیقت، پیام عهد جدید بشارت به این است که: «با ایمان به مسیح علیه السلام و قربانی شدن او، به رستگاری برسید!» با توجه به این تقسیم، مسیحیان کتابهای مربوط به دوره اول را «عهد قدیم» و کتابهای مربوط به دوره دوم را «عهد جدید» می خوانند و هر دو قسمت را مقدس و معتبر می شمارند.^۲

مسیحیان با اینکه زمان عهد قدیم و شریعت را با آمدن مسیح علیه السلام پایان یافته می دانند، ولی کتاب عهد قدیم را معتبر و مقدس می شمارند و از مطالب آن استفاده می کنند؛ اما احکام و فرائض موجود در عهد قدیم را نسخ شده می شمارند و آن احکام و فرائض را که همان شریعت حضرت موسی علیه السلام است، مقدمه ای برای ظهور حضرت عیسی علیه السلام می دانند.

یهودیان بر خلاف مسیحیان معتقدند که خدا تنها یک پیمان با انسان

پس، این دو بخش را می‌توان «نقد ظاهری» و «نقد محتوایی» کتاب مقدس نامید. در این شماره به صورت مختصر به نقد ظاهری کتاب مقدس می‌پردازیم:

نقد ظاهری

بررسی نویسندگان عهد عتیق

مجموعه کتابهای عهد عتیق، به برخی از انبیای بزرگ الهی همچون: حضرت موسی، یوشع، سموئیل، سلیمان علیه السلام نسبت داده می‌شود. کشیشان مسیحی معتقدند که عهد عتیق، وحی خدا به پیامبران است و ایشان، این کتابها را با الهام خداوند به رشته تحریر در آورده‌اند.

برای بررسی این موضوع، نخست باید دید که خود کتاب مقدس این دیدگاه را می‌پذیرد یا خیر؟

نویسنده تورات

ابستدا درباره نویسنده اسفار پنج‌گانه (تورات) که عموماً تصور می‌شود حضرت موسی علیه السلام بوده است، سخن می‌گوییم. ارباب کلیسا آن‌قدر درباره هویت نویسنده اسفار پنج‌گانه با قاطعیت سخن می‌گویند که هر کس را

مجموعه به عبری و بعضاً کلدانی نگاشته شده است. عهد عتیق امروزی نیز شامل ۳۹ کتاب (سفر) می‌باشد. و عهد جدید مشتمل بر چهار انجیل، اعمال رسولان، سیزده نامه منسوب به پولس، رساله به عبرانیان، یک نامه منسوب به یعقوب، دو نامه منسوب به پطرس، سه نامه منسوب به یوحنا، یک نامه منسوب به یهودا و مکاشفه یوحنا است. حضرت عیسی علیه السلام هیچ یک از این کتابها را نوشت و عهد جدید تماماً بعد از وفات ایشان نوشته شده است. چهار انجیل، از قدیم الایام به متی، مرقس، لوقا و یوحنا نسبت داده می‌شوند.

اقسام نقد

به طور کلی، محورهای را که در جریان نقد کتاب مقدس به آنها پرداخته‌اند، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: برخی از این محورها درباره ظاهر کتاب مقدس است و به اموری از قبیل: نویسنده، تاریخ نگارش و لغت‌شناسی می‌پردازد. برخی دیگر، سخن و محتوای کتاب مقدس را بررسی، تحلیل و نقد می‌کند.

که با آنان در این موضوع مخالفت نماید، بدعت‌گذار به حساب می‌آورند. برای نخستین بار، ابن عزرا، دانشمند یهودی، پرده از این راز بزرگ برداشت که نویسنده اسفار پنج‌گانه کسی جز حضرت موسی علیه السلام است؛ ولی چون جرأت آشکار نمودن عقایدش را نداشت، گفتار خود را محدود به اشاراتی مبهم نمود. او می‌گوید که در اینجا رمزی وجود دارد که اگر کسی آن را بفهمد، باید ساکت بماند. قرن‌ها بعد، باروخ اسپینوزا، دانشمند مشهور از سخنان ابن عزرا رمزگشایی کرد و خود نیز مطالبی به آن افزود. مجموعه تحقیقات وی اثبات می‌کند که اسفار پنج‌گانه، نوشته حضرت موسی علیه السلام نیست. در تورات (کتابی که به حضرت موسی علیه السلام منسوب است)، داستان مرگ ایشان ذکر شده است. این تاریخ نه تنها نحوه مرگ موسی علیه السلام، بلکه جزئیات عزاداری و محل دفن و حتی گم شدن مکان قبر وی را نیز ذکر می‌کند. در آخر سفر تثئیه می‌خوانیم: «پس موسی بنده خدا در آنجا به زمین

موآب بر حسب قول مرد»^۱ و درباره محل دفن او آمده است: «و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور در دره دفن کرد و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است»^۲. لحن این سخن، بدون تردید از گذشته دوری حکایت دارد و نویسنده این سطور باید دهها سال پس از موسی علیه السلام زندگی کرده باشد تا بتواند بگوید که «و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است». نکته غیر قابل تردید این است که نویسنده به جزئیات مراسم دفن و عزاداری حضرت موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌گوید که بنی اسرائیل سی روز برای موسی علیه السلام ماتم گرفتند. غافل از اینکه خود حضرت موسی علیه السلام نمی‌توانسته این‌گونه سخن بگوید: «و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه‌گری برای موسی سپری گشت»^۳.

۱. سفر تثئیه، ۳۴: ۵.

۲. همان: ۶.

۳. همان: ۸.

نویسنده دیگر کتب عهد عتیق

کتب دیگر عهد عتیق وضعی مناسب‌تر از تورات ندارند؛ مثلاً در استناد کتابهای یوشع، عزرا، اشعیا، ارمیا، زکریا، داود، سلیمان، حزقیال و دانیال به این افراد، هیچ سندی در دست نیست و دلیل روشنی وجود ندارد و این استناد، در حد گمان و ظن است. خود کشیشان مسیحی هم نتوانسته‌اند دلیلی قانع‌کننده برای این مسئله بیابند. برای نمونه به وضعیتی صحیفه یوشع عليه السلام از جهت تألیف می‌پردازیم:

صحیفه یوشع عليه السلام

یوشع عليه السلام پیامبری است که بعد از حضرت موسی عليه السلام به نبوت رسید و فرماندهی بنی اسرائیل را به عهده گرفت. اولین کتاب بعد از اسفار پنج‌گانه به وی منسوب است. ارباب کلیسا، با قاطعیت این کتاب را نوشته یوشع عليه السلام می‌دانند. اسپینوزا در ادامه تحقیقاتش، در مورد صحیفه یوشع عليه السلام می‌نویسد که نویسنده این کتاب نمی‌تواند خود یوشع عليه السلام باشد؛ زیرا باید شخص دیگری غیر از یوشع عليه السلام

در باره او شهادت بدهد.^۱

به علاوه، در صحیفه یوشع عليه السلام، به داستان مرگ نویسنده کتاب و مکان دفن او اشاره شده است. عباراتی که به هیچ وجه نمی‌تواند توسط خود یوشع عليه السلام نوشته شده باشند: «بعد از این امور واقع شد که یوشع بن نون، بنده خداوند، چون صد و ده ساله بود، مرد و او را در حدود ملک خودش در تمنه سارح که در کوهستان افرایم به طرف شمال کوه جاعش است، دفن کردند.»^۲

حتی حوادثی را که بعد از مرگ یوشع عليه السلام اتفاق می‌افتد، ذکر می‌کند؛ مثلاً نقل می‌کند که مشایخ بنی اسرائیل بعد از یوشع عليه السلام به کارهای وی ادامه دادند و خداوند را عبادت کردند.^۳ همچنین در این کتاب، داستان

۱. «از هر چه موسی امر فرموده بود، حرفی نبود که یوشع به حضور تمام جماعت اسرائیل با زنان و اطفال و غریبانی که در میان ایشان می‌رفتند، نخواند.» (یوشع، ۸: ۳۵)

۲. صحیفه یوشع، ۲۴: ۲۹ و ۳۰.

۳. «و اسرائیل در همه ایام یوشع و همه روزهای مشایخی که بعد از یوشع زنده ماندند و تمام عملی که خداوند برای اسرائیل کرده بود، دانستند، خداوند را عبادت نمودند.» (همان: ۳۱).

داده‌اند. در صفحه ۱۳۶ کتاب «آشنایی با ادیان بزرگ» می‌خوانیم:

«قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد عتیق مربوط به ۲۰۰۰ سال پیش (۱۳۰۰ سال بعد از مرگ نویسنده ادعایی تورات - حضرت موسی علیه السلام - که قرن ۱۳ پیش از میلاد فوت کرد) و قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید برای ۱۶۰۰ سال قبل (حدود ۳۵۰ سال بعد از مرگ نویسندگان اناجیل) می‌باشد. البته تعداد این نسخه‌ها و اینکه تواتر بر کذب در همین نسخه‌ها چطور است و اینکه آیا نسخه‌های ۲۰۰۰ ساله متواترند یا نه را هم باید بررسی کرد.

«کئی کات» از محققین عهد عتیق می‌گوید: «تمام نسخه‌های عهد عتیق کنونی، بین ۱۰۰۰ و ۱۴۰۰ میلادی یعنی ۲۳۰۰ الی ۲۷۰۰ سال پس از مرگ حضرت موسی علیه السلام نوشته شده است.» یکی دیگر از اندیشمندان به نام «والتن» می‌نویسد: «نسخه‌های شش قرن پیش بسیار کمیاب است و نسخه‌های ۷ قرن یا ۸ قرن پیش در نهایت کمیابی است.»

عالم دیگری به نام «فیلیستین شاله» می‌گوید: «هیچ یک از کتابهای اصلی خطی کتاب مقدس اکنون به زبان عبری موجود نیست... قدیمی‌ترین نسخه خطی عبری که در دست است، از قرن دهم بعد از میلاد (۱۰۰۰ م) تجاوز نمی‌کند.» «ریس» در کتابش که با همکاری عده‌ای از محققان نگاشته، می‌آورد: «تمام نسخه‌هایی که در قرن ۷ یا ۸ میلادی نوشته شده بود، به دستور شورای یهود نابود شد؛ چرا که با نسخه‌های مورد توجه آنان مخالفت فراوانی داشت. کتاب مقدس فعلی مصوبه شورای ترنت (۱۵۴۶ م) است که اهل کتاب باید آن را وحی آسمانی بدانند.»

برای مطالعه بیشتر در این شاخه از نقادی کتاب مقدس، می‌توانید به کتابهای: اظهار الحق، الهدی الی دین المصطفی، مفهوم تومارهای بحر المیت،

بندگی کنعانیان و پرداخت جزیه آنان نیز نقل می‌شود؛ ماجرای که دهها سال پس از یوشع علیه السلام اتفاق افتاد: «کنعانیان را که در جازر ساکن بودند، بیرون نکردند. پس کنعانیان تا امروز در میان افرایم ساکن‌اند و برای جزیه بندگان شدند.»

در حالی که داستان بندگی کنعانیان و جزیه دادنشان در عهد داوران، یعنی ۲۰۰ سال پس از یوشع علیه السلام واقع شده و در سفر داوران چگونگی آن بیان شده است.^۱
مفقود شدن کتاب مقدس^۲

۱. «و چون اسرائیل قوی شدند، بر کنعانیان جزیه نهادند؛ لیکن ایشان را تماماً بیرون نکردند و افرایم، کنعانیانی را که در جازر ساکن بودند، بیرون نکرد. پس کنعانیان در میان ایشان در جازر ساکن ماندند و زیبولون ساکنان فطرون و ساکنان نهلول را بیرون نکرد. پس کنعانیان در میان ایشان ساکن ماندند و جزیه بر آنها گذارده شد.» (کتاب داوران، ۱: ۲۸-۳۰)

۲. جالب است بدانیم که قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود تورات و انجیل، مربوط به چند قرن بعد از نوشته شدن آنها توسط کاتبین ادعایی اهل کتاب می‌باشد. معلوم نیست که در این چند قرن آیا همان متن اصلی بازنویسی شده است و یا به عقیده برخی از محققین، تورات اصلی کاملاً از بین رفته است و بعداً کاهنان، ستهای شفاهی خود را به عنوان کتاب مقدس به مردم ارائه

در تورات (کتابی که به

حضرت موسی علیه السلام

منسوب است)، داستان

مرگ ایشان ذکر شده است.

این تاریخ نه تنها نحوه

مرگ موسی علیه السلام، بلکه

جزئیات عزاداری و محل

دفن و حتی گم شدن مکان

قبر وی را نیز ذکر می‌کند

از مندرجات عهد عتیق چنین بر می‌آید که تورات در چندین مقطع از مقاطع تاریخی، در جریان برخی حوادث به کلی مفقود شده بود و هیچ کس از آن اطلاعی نداشت تا اینکه فردی مدعی یافتن یا مأمور بازنویسی آن شد و مسلماً در چنین شرایطی نمی‌توان به تورات اعتماد صد در صد داشت.

در کتاب مقدس آمده است که در زمان سلیمان علیه السلام مردم بت‌پرست

شدند و در زیر هر درختی بتی آویختند. پس از سلیمان علیه السلام در زمان پسرش رحبعام نیز بت‌پرستی شایع بود و چون یوشا بر سلطنت نشست، در سال هفدهم سلطنت او کاهنی به نام حلیقا ادعا کرد که کتاب مقدس را یافته است:

«در سال هجدهم سلطنت خود، بعد از آنکه زمین و خانه را طاهر ساخته بود، شافان بن اصلیا و معسیا رئیس شهر و یوآخ بن یوآحاز وقایع‌نگار را برای تعمیر خانه یهوه خدای خود فرستاد و نزد حلقیای رئیس کهنه آمدند و نقره‌ای را که به خانه خدا آورده منسّی و آفرایم و تمامی بقیه اسرائیل و تمامی یهودا و بنیامین و ساکنان اورشلیم جمع کرده بودند، به او تسلیم نمودند.

... و چون نقره‌ای را که به خانه خداوند آورده شده بود، بیرون می‌بردند، حلقیای کاهن، کتاب تورات خداوند را که به واسطه موسی نازل

سیر تاریخی تورات، تاریخ یک ارتداد، رساله‌ای در الهیات و سیاست و خود کتاب مقدس رجوع کنید.

رفتند و چون کتاب مقدس داخل هیکل نگه‌داری می‌شد، یا سوزانده شد و یا به غارت رفت. اگر فرض به غارت رفتن آن را صحیح بدانیم، می‌بایست^۲ در موقع بازگشت بنی اسرائیل، کتاب مقدس به هیکل برگردانده می‌شد که این امر اتفاق نیفتاد و بسیاری معتقدند بعد از این بازگشت است که شخصی به نام عزرا مأمور تهیه و تدوین کتاب مقدس می‌شود.^۳

شده بود، پیدا کرد و حلقیاً شافان کاتب را خطاب کرده، گفت: «کتاب تورات را در خانه خداوند یافته‌ام.» و حلقیاً آن کتاب را به شافان داد و شافان آن کتاب را نزد پادشاه برد و نیز به پادشاه خبر رسانیده، گفت: «هر آنچه به دست بندگان سپرده شده است، آن را به جا می‌آورند.» و نقره‌ای را که در خانه یافت شد، بیرون آوردند و آن را به دست سرکاران و به دست عمله‌ها دادند و شافان کاتب پادشاه را خبر داده، گفت: «حلقیای کاهن کتابی به من داده است.» پس شافان آن را به حضور پادشاه خواند و چون پادشاه سخنان تورات را شنید، لباس خود را درید.^۱ این جملات نشان می‌دهند که در آن زمان تورات مفقود شده بود و نمی‌توان نسبت به ادعای کاهنی که ادعای یافتن آن را دارد، اعتماد چندانی داشت.

از این گذشته، در زمان حملهٔ بخت النصر به اورشلیم، همهٔ آنچه در هیکل سلیمان عليه السلام بود، تخریب و سوزانده شد و بنی اسرائیل به همراه اشیای داخل هیکل به اسارت به بابل

۱. دوم تواریخ، ۳۴: ۸-۲۰.
 ۲. در کتاب دوم تواریخ چنین آمده است: «پس پادشاه کلدانیان [نبوکد نصر] را که جوانان ایشان را در خانهٔ مقدس ایشان به شمشیر کشت و بر جوانان و دوشیزگان و پیران و ریش سفیدان ترخم نمود، بر ایشان آورد و همه را به دست او تسلیم کرد و او سایر ظروف خانهٔ خدا از بزرگ و کوچک و خزانه‌های خانهٔ خداوند و گنجهای پادشاه سرورانش را تماماً به بابل برد و خانهٔ خدا را سوزانیدند و حصار اورشلیم را منهدم ساختند و همهٔ قصرهایش را به آتش سوزانیدند و جمیع آلات نفیسهٔ آنها را ضایع کردند و بقیهٔ السیف را به بابل به اسیری برد که ایشان تا زمان سلطنت پادشاهان فارس او را و پسرانش را بنده بودند.» (دوم تواریخ ایام، ۳۶: ۱۷-۲۰).
 ۳. فصلنامه تخصصی هفت آسمان، مقاله مصنف واقعی اسفار پنج گانه، باروخ اسپینوزا، انتشارات ادیان و مذاهب، اول، بهار ۱۳۷۸، شماره یک، ص ۱۱۳.

به گونه‌ای که مسلمانان در مورد قرآن و پیامبر اسلام ﷺ معتقدند، در مسیحیت جایی ندارد. مسیحیان، عیسی ﷺ را تجسم وحی الهی می‌دانند. به عقیده آنان، وی نه حامل پیام، بلکه عین پیام می‌باشد. مسیحیان می‌گویند که این کتابها توسط برخی از حواریون و پولس رسول - که از حواریون نیست - سالیانی بعد از حضرت عیسی ﷺ به رشته تحریر درآمده‌اند؛ چرا که به گزارش تاریخ، در حدود سی سال پس از عروج حضرت عیسی ﷺ هیچ کتابی وجود نداشت. چندین دهه بعد از آن، مکتوباتی به وجود آمد که به عنوان متون ارزشمندی دست به دست می‌گشت. در این زمان، دهها انجیل و رساله به وجود آمد و مجموعه عهد جدید پس از چندین شورا تشکیل شد و رسمیت یافت. البته لازم به یادآوری است که همه انجیل موجود با تفاوت‌هایی که دارند، برای مسیحیان مورد احترام هستند.

امکان خطای نویسندگان اناجیل
سالها پس از زندگی مسیح ﷺ و

از اینرو همچنین بسیاری بر این باورند که وقتی تورات مفقود می‌شود، برخی از کاهنان برای جمع کردن بنی اسرائیل، شروع به بازنویسی آن از روی محفوظات خود می‌کنند و طبعاً چون سالیانی از متن اصلی دور بودند، افسانه‌ها و داستان‌هایی را وارد متن اصلی می‌کنند که منجر به تحریف در کتاب مقدس می‌شود.

نقد مختصر عهد جدید

گفتیم که کتاب مقدس از دو قسمت عهد جدید و عهد عتیق تشکیل شده است. عهد جدید شامل ۲۷ کتاب و نامه است که عبات‌اند از: ۱. اناجیل چهار گانه که شرح حال زندگی حضرت عیسی ﷺ از زبان مؤلفین آنهاست؛ ۲. اعمال رسولان که شرح حال زندگانی حواریون و رسولان بعد از مسیح ﷺ می‌باشد؛ ۳. مجموعه نامه‌هایی که پولس و حواریون به دیگران نوشتند؛ ۴. کتاب مکاشفه یوحنا.

برخلاف تصور برخی مسیحیان، هرگز عیسی ﷺ کتابی به نام انجیل نیاورد. آوردن وحی توسط عیسی ﷺ

سخن برای محقق بی طرفی که سخت می تواند به گفته کلیسا اعتماد پیدا کند، محال است و طبیعی است که ایشان، گرچه سعی خود را برای بی خطا بودن نوشته هایشان کردند، ولی چون بشر بودند، امکان اشتباه در نوشته هایشان وجود داشته است.

و نکته دوم اینکه خود نویسندگان عهد جدید، این کتابها را به عنوان کتاب مقدس نوشتند؛ بلکه اکثر این کتابها، نامه های شخصی ای بوده است که برای مؤمنان دیگر می نوشتند. بنابراین، وقتی نویسنده کتاب، خود ادعای مقدس بودن نوشته اش را به عنوان کلام الهی ندارد، چرا ما باید چنین ادعایی را در مورد وی مطرح کنیم؟

اشکال دور و حجیت کتاب مقدس

در قرنهای اول و دوم میلادی، بیش از صد انجیل در شرح حال حضرت عیسی علیه السلام و تعالیم او نوشته شد. در نتیجه، عقاید متفاوت و مختلفی هم پیدا شد. این امر، کلیسا را بر آن داشت تا سوراخهای متعددی را برای تنقیح و تهذیب این کتابها و عقاید ناشی از آنها، تشکیل دهد. اولین

در خوشبینانه ترین احتمال، در حدود سالهای ۲۰ الی ۷۰ م این کتابها به رشته تحریر درآمد. طبعاً گذشت چنین زمانی مسائلی را به وجود می آورد. چند نفر که ادعای شود دو تن از ایشان حواری بودند و دو نفر دیگر از شاگردان حواریون - که خود شاهد عینی زندگی مسیح علیه السلام نبودند - دست به قلم بردند. در خوشبینانه ترین حالت می توان گفت که نویسنده این کتابها افراد مؤمن و عاشق مسیح علیه السلام بودند و با هدف گسترش پیام مسیح علیه السلام دست به تألیف چنین کتابهایی زدند و سعی کردند که این کتابها را صحیح و بی خطا بنگارند؛ ولی باز نکاتی وجود دارد که توجه به آنها ضروری می نماید:

اول اینکه آیا این افراد معصوم بودند یا امکان خطا و اشتباه هم داشتند؟ خود مسیحیان چنین ادعایی درباره ایشان ندارند. مطمئناً کسی درباره این افراد ادعای عصمت نکرده و اگر هم ادعا کند، دلیلی برای اثباتش ندارد؛ مگر اینکه بگوید: این افراد تحت حمایت روح القدس این کتابها را نگاشته اند. در آن حال، باور این

شورایی که در این راستا تشکیل شد، شورایی بود که با حضور ۳۰۰ اسقف و به دعوت قسطنطین، نخستین قیصر مسیحی، در شهر نیکه آسیای صغیر در سال ۳۲۵ م تشکیل شد. در این شوراهای، قانونهای مختلفی به تصویب رسید؛ از جمله اینکه تعداد کتابهای عهد جدید به طور رسمی اعلام شد و از بین کتابهای متعدد، ۲۷ کتاب به عنوان کتابهایی که با الهام الهی نوشته شده‌اند، انتخاب گردید و بقیه آنها کنار گذاشته شد و کلیسا آنها را به رسمیت نشناخت.^۱ البته به رسمیت شناخته شدن این کتابها، در یک شورا نبوده است؛ بلکه در خلال تشکیل چند شورا این کتابها به طور رسمی مورد قبول کلیسا قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین سؤالهایی که درباره اعتبار عهد جدید مطرح است، این سؤال است که چرا با وجود دهها انجیل، چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا برگزیده می‌شود؟ آیا واقعاً فقط همین چهار کتاب مقدس بودند و بقیه مقدس نبودند؟ مگر چه برتری در این چهار کتاب وجود داشته است؟

مسیحیان در پاسخ می‌گویند که کلیسا و شوراهای کلیسایی به این کتابها رسمیت و حجیت داد و دیگر کتابها را غیررسمی اعلام کردند؛ حال این سؤال به وجود می‌آید که چرا کلیسا از میان این همه انجیل، فقط به همین چهار کتاب حجیت داد؟

و این خود یک دور باطلی است که درباره حجیت کتاب مقدس وجود دارد؛ زیرا خود کلیسا باید حجیتش را از کتاب مقدس بگیرد و این کتاب مقدس است که به کلیسا حجیت می‌دهد و از طرفی، باز این کلیسا است که از میان دهها انجیل، به این چهار انجیل و ۲۷ کتاب حجیت داد و بقیه کتابها را از دور خارج کرد. حال سؤال اینجاست که چگونه کلیسایی که حجیتش را باید از کتاب مقدس بگیرد، می‌تواند به خود کتاب مقدس حجیت بدهد؟

ادامه دارد....

۱. تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ویلیام میلر، ترجمه علی نخستین، ص ۲۴۴؛ آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۱۴۷؛ هبة السماء، علی الشیخ، صص ۵۰-۵۱.